



اسناد اهل تسنن در شهادت زهرا (سلام الله عليها)

پس از شهادت نبی اکرم (صلی الله علیه و آله) و ماجرای سقیفه که البته در این نوشتار مجال پرداختن بدان نیست، بیعت گرفتن برای خلیفه آغاز شد. و این آغاز ماجرای شهادت زهرا (سلام الله عليها) بود. براساس اسناد اهل سنت و شیعه هنگامی که علی (علیه السلام) از بیعت با ابوبکر کناره گیری کرد.

حضرت فاطمه زهرا (سلام الله عليها)

ایام شهادت بزرگ بانویی است که شاید نخستین وجه هویت او آن است که دخت گرامی پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) بوده است. مسلمانان همواره تا ابد داغ مصیبت عظیم را در دل خواهند داشت و چقدر می تواند خوب باشد اگر به تاریخ رجوع کنیم مستندات واقعه شهادت زهرا (سلام الله عليها) را از ذیل روایات مسلمانان از

پس از شهادت نبی اکرم (صلی الله علیه و آله) و ماجرای سقیفه که البته در این نوشتار مجال پرداختن بدان نیست، بیعت گرفتن برای خلیفه آغاز شد. و این آغاز ماجرای شهادت زهرا (سلام الله علیها) بود. براساس اسناد اهل سنت و شیعه هنگامی که علی (علیه السلام) از بیعت با ابوبکر کناره گیری کرد، ابوبکر، عمر بن خطاب را به سوی علی (علیه السلام) فرستاد و گفت: او را با سخت ترین تندی و عتاب (برای بیعت گرفتن) به نزد من بیاور. عین عبارت البلاذری از علمای اهل تسنن در کتاب انساب الاشراف چنین است: «بعث ابوبکر عمر بن الخطاب الی علی(علیه السلام) حین قعد عن بیعتہ و قال ائتنی به بأعنف العنف ... (1)

علامه حلی از علمای شیعه در کتاب نهج الحق و کشف الصدق تصریح فرموده اند که ابوبکر در صورت امتناع علی(علیه السلام) از بیعت حکم جنگ با ایشان را صادر نمود. (2) ابن عبدربه از علمای اهل تسنن در العقد الفرید حتی اذعان نموده است که ابوبکر دستور داد اگر علی (علیه السلام) و عباس از بیعت امتناع کردند آنها را بکش: «ان ابیا (علی (علیه السلام) و العباس) فقا تلهما.» (3)

هجوم به منزل

جوهری از علمای اهل تسنن در السقیفه و فدک قریب به این مضمون را تصریح نموده است که: «و بلغ ابابکر و عمر ان جماعة من المهاجرین والانصار فقد اجتمعوا مع علی بن ابیطالب فی منزل فاطمه بنت رسول الله فأتوا فی جماعته حتی هجموا الدار...»

صدای فاطمه (سلام الله علیها) و گریه اش را شنیدند، باز گشتند، در حالی که اشک می ریختند و نزدیک بود که دل هایشان از جا کنده شود و جگرهایشان پاره پاره شود. پس آنها علی (علیه السلام) را از خانه بیرون کشیده و او را به سوی ابوبکر بردند و به او گفتند: بیعت کن! پس فرمود: اگر بیعت نکنم چه می کنید؟ گفتند: قسم به خدایی که جز او خدایی نیست، گردنت را خواهیم زد.»

به ابابکر و عمر خبر رسید که عده ای از مهاجرین و انصار با علی بن ابی طالب (علیه السلام) در خانه فاطمه (سلام الله علیها) دختر رسول خدا (صلی الله علیه و آله) اجتماع نموده اند، پس با جماعتی آمدند تا اینکه به خانه هجوم آوردند... (4)

شرح واقعه هجوم به منزل حضرت زهرا (سلام الله علیها) در روایات شیعه و اهل تسنن با جزییات آمده است و لازم است برای مشخص شدن ابعاد شهادت حضرت فاطمه (سلام الله علیها) مورد بررسی دقیقتری قرار بگیرد. ابن قتیبه از علمای اهل سنت در کتاب الامامة و السیاسة که معروف به تاریخ الخلفاء است به شرح مفصل هجوم به منزل دختر پیامبر (صلی الله علیه و آله) پرداخته است.

بر اساس شرح ابن قتیبہ هجوم، دو بار تکرار شده است. وی هجوم اول را چنین شرح می دهد: «ابوبکر گروهی را جویا شد که از بیعت با او تخلف کرده و نزد علی (علیه السلام) می باشند. پس عمر را به سوی آنها فرستاد، عمر نزد آنها آمده و آنها را صدا زد و حال آن که ایشان در خانه علی (علیه السلام) بودند. ولی آنها از خارج شدن امتناع ورزیدند پس ... هیزم طلب کرد و گفت: به آن خدایی که جان عمر در دست اوست یا از خانه خارج می شوید یا خانه را با تمام کسانی که در آن هستند، می سوزانم. به وی گفته شد: ای ابا حفص، فاطمه (سلام الله علیها) در این خانه است. او گفت: اگر چه (فاطمه در خانه باشد). پس آن گروه خارج شدند و با ابوبکر بیعت کردند جز علی (علیه السلام).» جهت ارائه اسناد دقیقتر در این باره عین متن عربی ابن قتیبہ را نیز می آوریم:

«ان ابابکر تفقد قوماً تخلفوا عن بیعتہ عنہ علی (علیه السلام) فبعث إلیهم عمر فجاء فناداهم و هم فی دار علی (علیه السلام) فأبوا عن تخرجوا فدعا بالحطب و قال: والذی نفس عمر بیده لتخرجن او لاحرقنها علی من فیها. فقیل له: یا ابا حفص ان فیها فاطمة. قال: و إن! فتخرجوا فبایعوا الا علیاً (علیه السلام).» (5)

دو بار هجوم کردند!

هجوم اول سبب شد همه افرادی که در منزل امام علی (علیه السلام) جمع شده بودند برای بیعت نزد ابوبکر روند، به جز خود امیرالمومنین (علیه السلام) که در منزل باقی ماند. ابن قتیبہ از نظر تاریخی هجوم دومی را نیز مفصلاً شرح می دهد که پس از امتناع علی (علیه السلام) از بیعت روی داده است: «پس عمر نزد ابوبکر آمد و به او گفت: آیا از این کسی که تخلف نموده بیعت نمی گیری؟ پس ابوبکر به قنفذ گفت: برو و علی (علیه السلام) را بخوان ... برای بار دوم عمر گفت: به این کسی که از بیعت با تو تخلف نموده مهلت نده. بعد ابوبکر به قنفذ گفت: برگرد به سوی او و به او بگو، خلیفه رسول الله (صلی الله علیه و آله) تو را می خواند که با او بیعت کنی... سپس عمر برخاست و گروهی با او حرکت کردند تا به درب خانه فاطمه (سلام الله علیها) رسیدند. پس درب را کوبیدند. فاطمه (علیها السلام) چون صدای آنها را شنید با ندای بسیار بلند فرمود: ای پدر، ای رسول خدا، بعد از تو از ابن خطاب و ابن ابی قحافه چه ها بر سر ما آمد.

پس جمعی از آن گروه چون صدای فاطمه (سلام الله علیها) و گریه اش را شنیدند، باز گشتند، در حالی که اشک می ریختند و نزدیک بود که دل هایشان از جا کنده شود و جگرهایشان پاره پاره شود. ولی عمر با جمعی باقی ماند.

پس آنها علی (علیه السلام) را از خانه بیرون کشیده و او را به سوی ابوبکر بردند و به او گفتند: بیعت کن! پس فرمود: اگر بیعت نکنم چه می کنید؟ گفتند: قسم به خدایی که جز او خدایی نیست، گردنت را خواهیم زد.» عین عبارات عربی ابن قتیبہ در تاریخ الخلفاء در باره هجوم دوم چنین است: «... فأتی عمر ابابکر فقال له الا تاخذ هذا المتخلف عنک بالبیعة؟ فقال ابوبکر لقنفذ اذهب فادع لی علیاً... فقال عمر الثانية لا تمهل هذا متخلف عنک بالبیعة. فقال ابوبکر لقنفذ: عُد إلیه فقل له خلیفة رسول الله یدعوک لتبایع ... ثم قام عمر فمتنی معه جماعة

حتی اتوا باب فاطمه (سلام الله علیها) فدقوا الباب فلما سمعت اصواتهم نادت باعلى صوت ها: يا ابت يا رسول الله ماذا لقينا بعدك من ابن الخطاب و ابن قحافة؟ فلماً مع القوم صوت ها و بكاء ها الضرفوا باکین و کادت قلوبهم تنصدع و اکبادهم تنفطر و بقى عمر و معه قوم: فاجرجوا علیاً (علیه السلام) فمضوا به الى ابی بکر فقال له: بايع. فقال (علیه السلام) إن لم افعله فمه؟ قالوا: إذا والله الذی لا اله الا هو نضرب عنقک.» (6)

که علی محمد فتح الدین الحنفی آن را نقل نموده است که «از زید بن السلم روایت می کند که من از جمله کسانی بودم که به هنگام خودداری علی (علیه السلام) و یارانش از بیعت به همراه عمر هیزم به طرف درب خانه فاطمه (علیها السلام) بردیم...»

هیزم بر در خانه!

همانطور که به اشاره در شرح مبسوط ابن قتیبہ آمده است، جهت تهدید برای گرفتن بیعت مهاجمان اقوام به انباشتن هیزم بر در خانه نمودند. ابن ابی الحدید از علمای اهل سنت در شرح نهج البلاغه به نقل از مسعودی می نویسد: «قال المسعودی: و كان عروة بن الزبير بعذراً خاه عبدالله في حصر بني هاشم في الشعب و جمعه الحطب يحرقهم و يقول: إنما اراد بذلك الا تنتش اكلمة و لا يختلف المسلمون و إن يدخلوا في الطاعة فتكون الكلمة واحدة كما فعل عمر بن الخطاب ببني هاشم لما تأخروا عن بيعة ابی بکر فإنه أحضر الحطب ليحرق عليهم الدار»؛ «مسعودی می گوید: عروہ بن زبیر برادرش عبدالله را در محاصره بنی هاشم در دره ای و جمع آوری کردن هیزم توسط او برای آتش زدن آنان معذور می دانست و می گفت: او این کار را برای این کرد که تفرقه و پراکندگی ایجاد نشود و مسلمانان با هم اختلاف نکنند و آنان (بنی هاشم) نیز به اطاعت او در آیند و در نتیجه با هم متحد شوند همانطور که عمر بن خطاب این کار را با بنی هاشم کرد وقتی آنان از بیعت با ابوبکر درنگ کردند.» (7)

براساس گفته این عالم اهل تسنن جمع آوری هیزم برای آتش زدن درب منزل حضرت زهرا (سلام الله علیها) واقعه ای تاریخی است و این مطلب توسط شخص عمر بن خطاب براساس نقل مسعودی انجام گرفته است البته تلاش برای تبیین دلیل و به بیان دیگر توجیه این اقدام مطلب دیگری است که البته در قانع کننده بودن و یا نبودن آن نیز می توان سخن گفت که مجالی دیگر می طلبد. اما به طور ضمنی و البته قطعی می توان اعتراف علمای سنت به اقدام شخص خلیفه اول به این کار را براساس مستندات تاریخی بدست آورد.

سند دیگری بر این مضمون بیان ابن خیزرانه در کتاب غرر است که علی محمد فتح الدین الحنفی آن را نقل نموده است که «از زید بن السلم روایت می کند که من از جمله کسانی بودم که به هنگام خودداری علی (علیه السلام) و یارانش از بیعت به همراه عمر هیزم به طرف درب خانه فاطمه (علیها السلام) بردیم...» (8)

جمع آوری هیزم در پشت درب خانه امیرالمومنین (علیه السلام) امری تاریخی است که هیچ جای شبهه و شکی در آن نیست که در برخی دیگر از اسناد از شیعه و سنی نیز آمده است که از آن جمله می توان به کتاب سلیم از

قیس الہلالی و تفسیر عیاشی و بحارالانوار و بسیاری دیگر از کتب شیعه اشاره نمود. برخی از اسناد اهل سنت نیز در این موضوع عبارتند از: الامامہ و السیاسة از ابن قتیبہ، انساب الاشراف از البلاذری موتمر علمای بغداد از مقاتل بن عطیہ، شرح نہج البلاغہ ابن ابی الحدید، اعلام النساء از عمر رضا کحالہ و نیز کتاب عمر بن الخطاب از عبدالرحمن احمد البکری. (9)

نتیجہ

ہجوم بہ منزل دخت گرامی اسلام و جمع آوری ہیزم بہ در منزل ایشان از جملہ مستندات تاریخی است کہ منابع اہل سنت و شیعہ در آن متفق القول ہستند.

پی نوشت:

- 1- انساب الاشراف، البلاذری (م. 279)، دارالمعارف قاہرہ، ج 1، ص 587
- 2- نہج الحق و کشف الصدق، علامہ حلی (م. 726)، ص 271
- 3- العقد الفرید، ابن عبد ربہ (م. 328)، المكتبة الشاملة، ج 2، ص 73.
- 4- السقیفة و فدک، جوہری (م. 323)، ص 72
- 5- الامامة و السیاسة المعروف بہ تاریخ الخلفاء، ابن قتیبہ (م. 276)، انتشارات شریف رضی، ج 1، ص 30.
- 6- همان منبع شماره پنجم.
- 7- شرح نہج البلاغہ، ابن ابی الحدید (م. 656)، طبع موسسہ اسماعیلیان، ج 20، ص 147
- 8- فلک النجاة، علی محمد فتح الدین الحنفی (م. 1371)، ص 121
- 9- بہ نقل از دفاعیات، سید علی رضا غروی، مہدی امامی، مرتضی کارگر بہ قلم مجید ہوشنگی (کاظمی)، انتشارات طوبای محبت، 1387، صص 21-37.